حیات‌نامه فکری و سیاسی علامه محمدتقی مصباح یزدی
از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی(۱۳۵۷-۱۳۱۳) - ۹۶

هجوم و اهانت به جرم مقابله با انحراف

دکتر سهراب مقدمی شهیدانی

نکته بسیار مهمی که در بازکاوی و نقد اتهام انجمنی بودن مرحوم علامه مصباح باید بدان توجه داشت آن‌که، ایشان از پیشگامان مبارزه با نحله‌های انحرافی مانند انجمن حجتیه بوده‌اند، و جالب آن‌که در شماره نخست نشریه «انتقام»، ضمن تعریض به برخی برداشت‌های انحرافی در موضوع انتظار اشاره کرده، بعضی شعارهای انجمن حجتیه را صراحتاً مورد نقد قرار داده چنین می‌نویسد: «تن‌پروران و نازپروردگانی که با روح استثمار تربیت یافته‌اند و عادت کرده‌اند که از دسترنج دیگران بهره‌مند شوند، برای اعتذار از تنبلی و راحت‌طلبی خود می‌گویند: «ان‌شاءالله امام زمان می‌آید و کارها را اصلاح می‌کند.» غافل از آن‌که این اعتقاد بار تکلیف را از دوش کسی برنمی‌دارد و اصلاً از کجا چنین تن‌آسایان راحت‌طلبی که با این بهانه‌هاشانه از زیر بار وظایف شرعی و اوامر مراجع تقلید خالی کرده‌اند، قبل از دیگران مورد خشم و انتقام آن حضرت واقع نشوند؟ ما این عید بزرگ را به عموم شیعیان بلکه به همه جهانیان تبریک می‌گوییم و امیدواریم پیوسته مشمول عنایات حضرتش باشیم تا روزی جان‌های ناقابل خود را نثار مقدم مبارکش سازیم یا در راه پیروی از منویات مقدسش فدانماییم.»[1]

پاسخی به اتهام ارتباط آیت‌الله مصباح با انجمن حجتیه

ماجرای شبهه‌پراکنی در پیرامون رابطه آیت‌الله مصباح و انجمن حجتیه مربوط به سال ۱۳۵۷ می‌شود. آقای موسوی تبریزی در خاطرات خود که از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر گردید، به این موضوع خلاف واقع اشاره می‌کند: «قبل از نیمه شعبان سال ۵۷، حضرت امام خمینی به جهت جنایت‌های زیادی که رژیم به هنگام سرکوب قیام‌های مردمی در شهرهای قم، تبریز و یزد مرتکب شده بود، با صدور اطلاعیه‌ای از مردم خواستند که به عنوان اعتراض به رژیم، از برپایی جشن و سرور خودداری کنند.... و تنها انجمن حجتیه از پذیرفتن فرمان امام سرباز زدند.... در قم نیز فقط در مؤسسه در راه حق مراسم جشن برگزار گردید.... سخنران این مجلس آقای سید مرتضی عسکری بود....

وی در آن شب علی رغم خواسته انقلابیون که وحدت و همگرایی بیشتر بین نیروهای انقلابی و مبارز بود و به بهانه مخالفت با آراء و افکار دکتر شریعتی یک‌سری مطالب اختلاف برانگیز را مطرح کرد و همین موجب شد که دوباره در قم مسئله دکتر شریعتی و بحث و جدل بین موافقین و مخالفین دکتر کار را به درگیری و کتک‌کاری بکشاند... به هر حال این قضیه باعث شد که آقای مصباح که خود از سردمداران مخالفین دکتر در قم بود، در درس خود مطالبی علیه دکتر شریعتی مطرح کند که طلاب انقلابی به جهت اعتراض به اختلاف‌انگیزی ایشان در آن موقعیت حساس درسش را که در یکی از مساجد چهارمردان قم می‌گفت تعطیل کنند.»[2]

آیت‌الله رضا استادی در مورد برگزاری جشن نیمه‌شعبان در مؤسسه درراه حق می‌گوید: «چون سخن سیاسی پیش آمد عرض می‌کنم. ای دو صد لعنت بر سیاستِ جدای از تدیّن که شاید از هیچ ظلمی به رقیب کوتاهی نکند. مؤسسه در راه حق و بخش آموزش آن، همان‌طور که عرض کردم روز به روز رو به توسعه بود و احساس نیاز به گسترش آن می‌شد از این رو همین محل کنونی مؤسسه که خانه‌ای قدیمی بود تصمیم گرفتند مطابق نیاز، به خصوص نیاز بخش آموزش، آن را تجدید بنا کنند. ناچار مؤسسه و کلاس‌ها به خانه‌ای قدیمی و به اصطلاح کلنگی در کوچه ارک خیابان ارم منتقل شد. یعنی آنجا را اجاره کردیم و نزدیکی‌های پیروزی و اوائل

پیروزی انقلاب در آن خانه بودیم و محل کنونی در دست ساخت بود. اخیراً در روزنامه‌ای خواندم که یکی از سیاسیون گفته است در نیمه شعبان سال قبل از پیروزی انقلاب که امام امت رحمه‌الله فرموده بود امسال جشن نداریم، مؤسسه در راه حق که زیر نظر آقای مصباح و آقای استادی و دیگران بود جشن گرفتند در صورتی که در هیچ سال مگر یکی از عید غدیرهای پس از پیروزی انقلاب، مؤسسه در راه حق برنامه جشن و از قبیل آن نداشت و آن خانه که آن روزها در آن بودیم به هیچ وجه با جشن تناسب نداشت و دوستان می‌دانند که یک نفر در جمع مدیران مؤسسه نداشتیم که کمترین گرایشی به مخالفت با حضرت امام داشته باشد.»[3]

آیت‌الله استادی: مؤسسه در راه حق و شخص جناب آقای مصباح و برنامه‌های خوب و سازنده‌اش آن‌قدر مورد توجه حضرت امام رحمه‌الله علیه بود که از بدو پیروزی انقلاب تا رحلت‌شان، تمام هزینه‌های برنامه‌های آموزشی حضرت آیت‌الله مصباح را مرحمت می‌کردند که نسبت به آن زمان، مبلغ قابل ملاحظه‌ای بود. می‌توانید از حجت‌الاسلام والمسلمین صانعی و دیگر عزیزان آگاه از دفتر آن امام بزرگوار بپرسید و امام فرموده بودند که اگر توسعه هم پیدا کند، هزینه‌ها را تأمین می‌کنم.

آیت‌الله استادی همچنین ضمن مقاله‌ای با عنوان «کم‌حافظگی و دروغ» در روزنامه رسالت نوشت:«... در روزنامه یا روزی‌نامه‌ای خواندم که یک عمامه به سر گفته است: «چرا دستگاه قضائی با آقای مصباح یزدی که اظهاراتش به مخاطب این‌گونه القاء می‌کند که اسلام دین خشنی است به عنوان تشویش اذهان عمومی یا تبلیغ علیه دین برخورد نمی‌کند؟» به یاد شیخ ابراهیم زنجانی افتادم که در مورد آیت‌الله العظمی حاج شیخ فضل الله نوری همین‌طور فکر می‌کرد و در محاکمه او شرکت نمود و برای همیشه در تاریخ ایران اسلامی خود را روسیاه و مستوجب لعن و طعن کرد. «فاعتبروا یا اولی الابصار»..خدا کند این آقایانی که بنا گذاشته‌اند حضرت مصباح را خاموش کنند، لااقل از دروغ و خلاف واقع‌گویی بپرهیزند... در سال ۵۷-۵۶ مؤسسه در راه حق در دست ساختمان بود و کارهای فرهنگی آن مرکز در یک خانه قدیمی در کوچه‌ای تنگ که اصلاً مناسب با جشن نبود، انجام می‌گرفت که در همان خانه، برخی از اساتید و بزرگان حوزه و حامی انقلاب حاضر می‌شدند و مؤسسه در راه حق (که یار صمیمی امام، حجت‌الاسلام و المسلمین شهید حقانی در هیئت‌مدیره‌اش بود) را به خاطر برنامه‌های سازنده‌اش مورد تقدیر و تشویق قرار می‌دادند و حتی تا بدو پیروزی انقلاب هم هنوز ساختمان مؤسسه آماده نشده بود و به یاد دارم که حجت‌الاسلام و المسلمین فاکر خراسانی در همان خانه آمد و گفت ما در صدیم اعلامیه‌هایی که مردم و همه اصناف و متدینان در شهر و روستاها درباره نهضت امام خمینی رحمه‌الله علیه منتشر کرده‌اند را گردآوری کنیم تا به اتکاء این اسناد زنده، به ملی‌گرایان و دگراندیشان بفهمانیم که شما در پیروزی این انقلاب و نهضت اسلامی سهمی ندارید، بی‌جهت مدعی نشوید. عامل پیروزی، مذهب و مذهبی بودن مردم بود و نیز در همان خانه قدیمی کذایی بود که آقای دکتر... برای اداره برخی کلاس‌ها می‌آمد و نزد یکی از افاضل، برخی درس‌ها را می‌خواند. البته ممکن است کم‌حافظگی، ایشان را هم به انکار وا دارد. این را برای آن عرض کردم که شاهد مورد قبول آقایان یاد شده باشد. مؤسسه در راه حق و شخص جناب آقای مصباح و برنامه‌های خوب و سازنده‌اش آن‌قدر مورد توجه حضرت امام رحمه‌الله علیه بود که از بدو پیروزی انقلاب تا رحلت‌شان، تمام هزینه‌های برنامه‌های آموزشی حضرت آیت‌الله مصباح را مرحمت می‌کردند که نسبت به آن زمان، مبلغ قابل ملاحظه‌ای بود. می‌توانید از حجت‌الاسلام و المسلمین صانعی و دیگر عزیزان آگاه از دفتر آن امام بزرگوار بپرسید و امام فرموده بودند که اگر توسعه هم پیدا کند، هزینه‌ها را تأمین می‌کنم.

«ببین تفاوت ره از کجا است تا به کجا» امام چه می‌فرماید و مدعیان پیروی از امام چگونه خلاف می‌گویند و می‌نویسند و فکر فردای قیامت هم حتماً هستند. مدت‌ها حضرت مصباح با آیات عظام محمدی گیلانی و مظاهری مباحثه داشتند، از آنان بپرسید تا مقام فضل و دیانت وی برایتان روشن شود... عزیزی که در طول عمر از علاقه‌مندان و شیفتگان حضرت امام رحمه‌الله علیه بوده، امروز به جرم این‌که می‌خواهد جلوی برداشت‌های انحرافی از اسلام و قرآن را بگیرد، مورد هجوم و اهانت قرار گرفته است که همه آشنایان با او و کسانی که از وی شناخت صحیحی دارند، ناراحتند. اما خوشبختانه او (از آن بیدها نیست که با این بادها بلرزد) و شنیده‌ام تصمیم دارد که دشمنی‌ها و ناسزاها و تبلیغات دروغ را از داخل و خارج تحمل کند و به بحث‌های روشنی‌بخش خود ادامه دهد. راستی افرادی مانند آقای شبیه به شیخ ابراهیم زنجانی خوب است از خود بپرسند که مگر مصباح چه می‌گوید؟ می‌گوید اسلام سلام و لعن دارد. فقط سلام نیست و فقط لعن هم نیست!... بنده هرچه فکر می‌کنم می‌بینم حضرت مصباح مطالبی مطابق فطرت و عقل و شرع و منطق مطرح می‌کند. حال اگر برخی از کلمه «خشونت» ناراحتند می‌توان به جای آن مجازات متخلّف و معاند و محارب و امثال این‌ها را قرار داد. در روزنامه‌ای کثیف به قلمی کثیف‌تر خواندم که به آیت‌الله مصباح گفته است: با سرنیزه می‌توان حکومت کرد و اما بر سر نیزه نمی‌توان نشست. بنده هم عرض می‌کنم: با مغالطه و سفسطه و فریب‌کاری می‌توان چند روزی عده‌ای را فریب داد اما حقائق با گذشت زمان روشن می‌شود و هرکه در او غش باشد روسیاه خواهد گردید.

خدایا این درد را به که بگویم که مصباح را می‌خواهند با فحش و بدگویی و کاریکاتور و تبلیغات وسیع، خاموش کنند ﴿وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا.﴾[4] وقتی به یاد می‌آورم علاقه رجال الهی مانند آیت‌الله خاتمی (والد ماجد حضرت آقای خاتمی، ریاست جمهور محترم و عزیز، دامت توفیقاته) را به آقای مصباح، به خود می‌گویم، آنها چه می‌گفتند و برای دلسوزان دین و اسلام چه قدر ارج قائل بودند و این‌ها که به قول خودشان قرائت خاصی از دین دارند، چه می‌گویند؟! ۵۰ سال تلاش علمی، تقوی، تعلیم و تربیت، انجام خدمات به نظام اسلامی، حمایت از امام و رهبری، نگارش آثاری سودمند و ارادت خاص به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف را به نام این که او مروّج خشونت است، می‌کوبند و خدا گواه است که دروغ می‌گویند. او مروّج دین است، نه مروّج خشونت و بدترین خشونت، همین خشونت‌های قلمی ارباب بی‌مروّت برخی روزنامه‌هاست.»[5]

پانوشت‌ها:

۱- انتقام، شماره ۱، یکشنبه ۱۵ شعبان ۱۳۸۴ق، ۲۹ آذر ۱۳۴۳ش.

۲- یادها- ۱۱، خاطرات آقای سید حسین موسوی تبریزی، تهران: نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)، چاپ ۱۳۸۷، صص ۴۱۷-۴۲۰. از جمله افراد دیگری که این اتهام را به آقای مصباح زده، حجت‌الاسلام عبایی خراسانی است. ر.ک: گفتمان مصباح، ص۸۲ (به نقل از ماهنامه گزارش، شماره ۱۳۲ و ۱۳۳، اسفند ۸۰ و فروردین ۸۱. صص۵۱-۵۲.)

۳- فهرست دائره المعارف حاج شیخ رضا استادی (مجموعه آثار حاج شیخ رضا استادی)، ج۱۵، ص ۵۴.

۴- «.و به خیال باطل می‌پنداشتند که نیکوکاری می‌کنند.» (سوره کهف، آیه ۱۰۴)

۵- فهرست دائره المعارف حاج شیخ رضا استادی (مجموعه آثار حاج شیخ رضا استادی)، ج۱۵، صص ۴۷-۵۱. همچنین: روزنامه رسالت، ۸ شهریور ۷۸.

مناسبات جمهوریّت و اسلامیّت در انتخاب ولیّ فقیه- ۵۷

شیب تند سقوط

سید یاسر جبرائیلی

با رأی مجلس به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر و ناکامی پروژه مسلّحانه منافقین در براندازی جمهوری اسلامی، مردادماه ۱۳۶۰ بنی‌صدر به همراه رجوی از ایران گریخت و سازمان مرکزی منافقین عملاً در فرانسه مستقر شد؛ امّا ترورها و قتل و غارت‌های ایادی این گروه در داخل کشور ادامه یافت.

آن‌گونه که سیّدمهدی هاشمی روایت می‌کند، در همین ایّام است که او و برادرش سیّدهادی تصمیم به ارتباط با منافقین می‌گیرند. این تصمیم، ریشه در این تحلیل داشته که آینده کشور در دست منافقین است و باید با آنان مرتبط شد. سیّدمهدی می‌گوید: «یکی از اهدافی که آقاهادی تعقیب می‌کرد در رابطه با بیت آقای منتظری... همین بود که یک چراغ‌سبزی به منافقین داده بشود که مثلاً در تحوّلات آینده و اینها، مثلاً چراغ‌سبز کارساز باشد.»[1]

ظاهراً همان نگاهی که بنی‌صدر به منافقین داشت، برادران هاشمی نیز داشتند. یکی از نخستین اقداماتی که سیّدمهدی هاشمی برای برقراری ارتباط با منافقین انجام داد، این بود که یکی از منافقین طلبه به نام ارمی را تحت عنوان اینکه توبه کرده است با استفاده از اختیارات آیت‌الله منتظری در هیئت عفو زندانیان آزاد کرده و در دفتر آیت‌الله منتظری مستقر نمود. سیّدمهدی می‌گوید: «آقاهادی به این نتیجه رسیده بود که ما باید یک کانال‌های احتیاطی و یدکی را با خارج از کشور آماده کنیم که اگر احیاناً تحوّلی پیش آمد، با این جناح‌های خارج از کشور ارتباط داشته باشیم و آقا هادی با همان طلبه‌ای که از توّابین بود و با آقا هادی هم ارتباط داشت، باهم مسائل را هماهنگ می‌کردند. از کانال همان طلبه توّاب به آقا هادی چنین گفته شده بود که جناحی از سازمان مجاهدین و همچنین نیروهایی که وابسته به آن سازمان است نسبت به آیت‌الله منتظری ملایم‌تر و خفیف‌تر فکر می‌کنند و کلّاً این جناح و این خط و این طیف بود که آقا هادی معتقد شده بود باید با این کانال که آنها معتقدند مثلاً با آیت‌الله منتظری ملایم‌ترند مرتبط باشد و آقاهادی می‌گفت سازمان مجاهدین بر این رژیم ارجحیّت دارد و ما معتقد بودیم که در صورت بروز فعل و انفعالات داخلی مشهوریّت و قداست آیت‌الله منتظری خیلی کارساز است.»[2]

ظاهراً پیرو برقراری این ارتباط، یکی از نخستین مطالبات منافقین، تکرار مدل ارمی برای عفو و آزادسازی سایر اعضای سازمان است که پس از آغاز اقدام مسلّحانه علیه نظام، دستگیر و زندانی شده‌اند. برادران‌هاشمی این درخواست را اجابت می‌کنند و صدها نفر از عناصر منافقین در لیست عفو آیت‌الله منتظری قرار گرفته، از زندان آزاد می‌شوند و قتل و غارت را از سر می‌گیرند. امام(قدّس‌سرّه) در نامه دوازده مهرماه ۱۳۶۵ خود به آیت‌الله منتظری در این‌باره می‌نویسند: «آزادی بی‌رویّه چند صد نفر منافق به دستور هیئتی که رقّت قلب و حسن ظنّشان واقع شد، آمار انفجارها و ترورها و دزدی‌ها را بالا برده است. ترحّم بر پلنگ تیزدندان، ستمکاری بود بر گوسفندان.»[3] البتّه عواقب نفوذ منافقین در بیت آیت‌الله منتظری محدود به آزادسازی عناصر سازمان از زندان نشد. منافقین همچنین توانستند از طریق کانالی که ایجاد کرده بودند، آیت‌الله منتظری را در معرض گزارش‌ها و روایت‌های جعلی از شرایط ناگوار در بخش‌های مختلف نظام قرار داده و او را تحریک به موضع‌گیری‌های پی‌درپی علیه دستگاه‌های مختلف و حتّی اصل نظام کنند. آنها داعیه حکومت داشتند و علناً هدف خود را سرنگونی جمهوری اسلامی اعلام کرده بودند. یکی از ابزارهای مهمّ براندازی نیز تخریب وجهه نظام در میان مردم بود و چه تخریبی می‌توانست مؤثّرتر از حملات شخصیّتی در تراز آیت‌الله منتظری به نظام باشد؟ علاوه‌بر منافقین، سیّدهادی هاشمی لیبرال‌های مطرود امام(قدّس‌سرّه) از جمله وابستگان نهضت آزادی را نیز به بیت آیت‌الله منتظری وصل کرده بود و آنها نیز در تدارک و تهیّه این گزارش‌های هدفمند، نقش داشتند.[4] نامه مبسوط حبیب‌الله پیمان خطاب به آیت‌الله منتظری و علیه نظام و انقلاب اسلامی، از جمله این گزارش‌ها است که محتوای آن، بعدها به نحوی دیگر از زبان آیت‌الله منتظری گفته شد.[5] یا نمونه دیگر، تدوین گزارش‌های جعلی از وضعیّت زندان‌ها توسّط فردی به نام ایرج مصداقی از اعضای زندانی‌شده منافقین و ارسال آن با واسطه انصاری نجف‌آبادی برای آیت‌الله منتظری است که منشأ و محرّک موضع‌گیری ایشان علیه شهید لاجوردی و وضعیّت زندان‌ها می‌شود.[6] حاج احمد خمینی می‌گوید این جریان، مطالب خود را به‌عنوان نامه‌های رسیده از مردم به ایشان القا می‌کرد.[7] از دیگر سو، بیت آیت‌الله منتظری ارتباط ایشان با مسئولین نظام را محدود و کانالیزه کرده بود و عملاً هر گزارشی به ایشان می‌رسید، بدون راستی‌آزمایی یا حدّاقل اخذ گزارش مرتبط از مقامات مربوطه، مهر حقیقت می‌خورد و مرجع مواضع آیت‌الله منتظری قرار می‌گرفت؛ به‌گونه‌ای که آیت‌الله منتظری در تریبون‌های عمومی مواضع تندی علیه دستگاه‌های مختلف نظام گرفته و انواع اتّهام‌ها را متوجّه نظام می‌کرد. مهدی هاشمی می‌گوید: «سعی می‌کردیم در موضع‌گیری‌ها، حتّی‌الامکان موضع فقیه عالی‌قدر چیزی برخلاف موضع حضرت امام باشد.»[8] این‌گونه بود که باند مهدی هاشمی که با منافقین و معاندین پیوند خورده بود، عملاً آیت‌الله منتظری را تبدیل به سخنگوی اپوزیسیون نظام کرد و البتّه چنان‌که خواهیم دید، این مسئله، به سخنگویی صرف محدود نماند و به ورطه رویارویی و تقابل عملی نیز کشیده شد.

باند مهدی هاشمی که با منافقین و معاندین پیوند خورده بود، عملاً آیت‌الله منتظری را تبدیل به سخنگوی اپوزیسیون نظام کرد... این مسئله، به سخنگویی صرف محدود نماند و به ورطه رویارویی و تقابل عملی نیز کشیده شد... امام(قدّس‌سرّه) بارها به آیت‌الله منتظری تذکّر دادند که پیش از ترتیب اثر دادن به گفته‌ها و نوشته‌هایی که به دستشان می‌رسد، با اشخاص صالح آشنا به امور کشور مشورت کنند اما...

امام(قدّس‌سرّه) بارها به آیت‌الله منتظری تذکّر دادند که پیش از ترتیب اثر دادن به گفته‌ها و نوشته‌هایی که به دستشان می‌رسد، با اشخاص صالح آشنا به امور کشور مشورت کنند: «آنچه مسلّم است و مایه تأسّف، حسن ظنّ جنابعالی به اعمال و افعال و گفته‌ها و نوشته‌ها است که به‌مجرّد وصول به شما ترتیب اثر می‌دهید و در مجمع عمومی صحبت می‌کنید و به قوّه قضائیّه و غیره سفارش می‌دهید. و من از شما، که دوست صمیمی سابق و حال من هستید و مورد علاقه ملّت، تقاضا می‌کنم که با اشخاص صالح آشنا به امور کشور مشورت نمایید، پس از آن ترتیب اثر بدهید.»[9] امام(قدّس‌سرّه) حتّی در بحبوحه تبلیغات ضدّ ایرانی رژیم بعثی صدّام، آیت‌الله منتظری را به حضور طلبیدند و فرمودند: «چرا حرف‌هایی می‌زنید که رادیو بغداد می‌گوید؟»[10] امّا تذکّرات امام(قدّس‌سرّه) افاقه نکرد و آیت‌الله منتظری به همین مشی ادامه داد.

پانوشت‌ها:

۱- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده سیّدمهدی هاشمی، ص ۱۰، کد ۵۳۷۰

۲- محمّد محمّدی ری‌شهری، سنجه انصاف، ص ۱۰۲

۳- حسینعلی منتظری، پیشین، ص ۱۱۵۳

۴- محمّد محمّدی ری‌شهری، پیشین، ص ۱۰۲

۵- بولتن دفتر سیاسی سپاه، دور دوّم، شماره ۷۵

۶- ایرج مصداقی، نه زیستن، نه مرگ، صص ۱۴۱ - ۱۳۶

۷- سیّداحمد خمینی، رنج‌نامه حجّت‌الاسلام‌والمسلمین سیّداحمد خمینی به حضرت آیت‌الله منتظری، ص ۶۲

۸- همان، ص ۶۲

۹- صحیفه امام خمینی، ج ۲۰، ص ۱۳۷، ۱۳۶۵/۷/۱۲

۱۰- غلامرضا خواجه سروی، خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، ص ۳۵۹

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ - ۳۳۱۱۳۵۱۹ - ۳۳۱۱۰۲۱۰ - ۳۳۱۱۸۰۵۰ - ۳۳۱۱۸۰۵۲ - ۳۳۹۱۱۵۶۸ - ۳۳۱۱۹۲۳۶ - ۳۳۱۱۲۱۹۵ - ۳۳۱۱۲۱۹۳ - ۳۳۱۱۲۲۹۱ - ۳۳۱۱۳۰۸۵ - ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ - شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ - اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ - چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ - شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ - مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ - شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ - ۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق - غرب: شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ - ۶۵۲۲۲۹۳۳ - کرج ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ ۳۲۲۲۴۴۱۱ - دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵GLX-XU7-CNG به شماره پلاک ۶۴۲ ل ۵۹- ایران ۱۴ به رنگ نقره‌ای- متالیک مدل ۱۳۹۳ و شماره موتور ۱۲۴K۰۳۷۷۴۴۱ و شماره شاسی NAAM۱۱CA۰ER۹۲۴۰۵۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری هاچ‌بک سایپا QUIK-MT به شماره پلاک ۵۴۸ ی ۴۷- ایران ۱۴ به رنگ سفید- قرمز- روغنی مدل ۱۴۰۰ و شماره موتور M۱۵۹۱۴۷۰۷۲ و شماره شاسی NAPX۲۱۲AAM۱۰۳۲۳۹۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی موتورسیکلت شهاب ۱۲۵ به شماره پلاک ۸۸۱۶- مشهد ۵۶ به رنگ مشکی مدل ۱۳۸۱ و شماره موتور ۴۲۶۴۷ و شماره تنه ۸۱۱۰۱۵۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز کمپانی موتورسیکلت سایپا SAINA- به شماره پلاک ۱۱۶ ل ۶۸- ایران ۱۴ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۹۸ و شماره موتور M۱۵/۸۸۰۴۶۷۸ و شماره شاسی NAS۸۳۱۱۰۰K۵۸۳۹۱۰۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز موتورسیکلت سیستم هوندا تیپ ۱۲۵ به رنگ سفید مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ۸۵۳۸۶ ایران ۵۸۶ به شماره موتور ۰۳۰۹۷۹۳۳ و شماره تنه ۸۲۰۲۱۶۱۵۹ مربوط به خسرو آذری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز پژو ۴۰۵GLX مدل ۱۳۸۲ به رنگ مشکی متالیک شماره انتظامی ۷۹ ایران ۵۷۸ ق ۹۹ شماره موتور ۲۲۵۶۸۱۲۲۲۳۳ وشماره شاسی ۸۱۰۱۹۶۷۲ بنام خانم طاهره جهانبخش مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو سواری پژو PARSxU۷ مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ۸۱۹ ص۳۷ ایران ۶۷ و شماره موتور ۱۲۴K۱۵۱۹۷۵۷ و شماره شاسی NAAN۰۱CE۴LH۳۳۵۴۷۳ به نام زهره مردانی به کد ملی ۱۱۷۱۳۴۳۶۹۸ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین شهر

سند کمپانی خودرو سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۶ شماره انتظامی ۴۶۸ ق ۲۷ ایران ۳۸ به شماره موتور ۱۶۴B۰۱۵۰۳۵۲ و شماره شاسی NAAM۱FE۳۱HK۰۸۰۹۱۹ بنام علی خلیلی فرزند زین العابدین به شماره ملی ۵۵۶۰۱۷۳۹۰۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۴ رنگ سفید صدفی روغنی به شماره ۱۲۴۸۴۰۸۰۶۷۲ به شماره شاسی ۱۹۳۱۳۷۷۳ شماره پلاک ایران ۵۱- ۹۹۵۶۶۸ بنام پیمان کوره‌گائی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پراید صبا جی ال ایکس مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ۲۷۴ی۹۱ ایران ۶۳ و شماره موتور M۱۳۴۴۸۳۴ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۹۱۳۳۸۵ به نام امین رزوانی به کد ملی ۲۲۹۷۹۵۳۳۱۳ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است.زرین شهر

برگ سبز خودرو سواری هاچ بک ام. وی.ام به رنگ آبی مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ۵۳۸م۹۶ ایران ۶۸ به شماره موتور MVM۴۷۷FJAA۰۰۲۵۸۳ به شماره شاسی NATFBAMD۱A۱۰۰۲۷۷۱ به مالکیت طهورا کریمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

پلاک موتورسیکلت تکتاز مدل ۱۳۹۱ پلاک ۰۱۲۴NEJ۰۱۴۲۲۳ موتور ۵۴۷-۶۱۱۴۸ شاسی NEJ...۱۲۵G۹۱۰۹۶۶۴ بنام علی یاری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند و فاکتور فروش (سند کمپانی) خودرو ام‌وی‌ام تیپ ۱۱۰SQRv۱۱۱-S۱۱ به‌رنگ‌سفید روغنی مدل ۱۳۹۳ به شماره موتور MVM۴۷۲FGE۰۴۱۰۰۴ و شماره شاسی NATEBAFB۰E۱۰۱۹۴۷۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی (سند کارخانه) خودروی سواری سمند به‌شماره انتظامی ۱۷۴ع۱۳ ایران ۸۷ با شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۹۷۴۶۰ و شماره شاسی ۱۴۵۲۲۳۸۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

خدمات مسافرتی

آلمان+ایتالیا
هر سفارشی دارید با ما تماس بگیرید
۸۸۷۵۳۷۴۹
۰۹۱۲۳۵۴۵۰۶۱

آگهی‌های مفقودی

استخدام

دعوت به همکاری

مؤسسه‌ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می‌نماید.

- واحد فنی : ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم به بالا
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم به بالا
- نگهبان : جهت تکمیل کادر انتظامات - ۳ نفرمرد با تحصیلات دیپلم به بالا
- واحد توزیع : ۳ نفر مرد (ترجیحاً با وسیله نقلیه)
- امور مالی : ۳ نفر مرد - با مدرک تحصیلی لیسانس حسابداری
- امور اداری : ۳ نفر مرد - با مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا

آشنایی متقاضیان واحدهای مالی و اداری با نرم‌افزارهای مربوطه الزامی است.

واجدین شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

املاک سان
خرید و فروش ویلا- زمین
پیمانکاری ساختمان
مشارکت ساخت
مازندران نوشهر، سی‌سنگان
۰۹۱۱۱۹۳۲۷۳۴
۰۹۱۲۰۱۳۵۵۴۸

بنایی و خدمات ساختمانی

تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴- ۰۹۱۲۷۲۸۳۹۸۲

دفتر فنی مهندسی عدالت تهران
خدمات چاه لوله سراسر تهران
شبانه‌روزی ارزانتر از همه جا
۰۹۱۹۳۰۷۸۷۳۳

خدمات شرکت‌ها

اخذ اقامت دبی، ثبت شرکت و اخذ ID کارت دبی ظرف مدت ۲۰ روز.
۰۹۱۷۱۱۹۱۳۰۳
۰۹۱۷۵۰۲۶۸۵۲

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ - ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

خلاصه آگهی مزایده نوبت اول

اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان ری در نظر دارد، ششدانگ عرصه و اعیان یک‌باب تجاری(بدون هیچگونه حقی) از رقبات موقوفه عبدالغفورخان للّه‌باشی به مساحت ۲۴ مترمربع (با ۸/۵ متر بالکن) واقع در شهرری بزرگراه امام رضا- بعد از سه‌راه سیمان- مجتمع عقیق- مغازه شماره ۱۲، با مبلغ پایه ماهیانه ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، از طریق مزایده و با رعایت شرایط و مقررات اوقافی به اجاره واگذار نماید.
متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۳ به اداره مراجعه و یا با شماره تلفن **۳۳۷۵۹۷۹۰** تماس حاصل نمایند.

خلاصه آگهی مزایده نوبت اول

اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان ری در نظر دارد، ششدانگ عرصه و اعیان یک‌باب تجاری(بدون هیچگونه حقی) از رقبات موقوفه عبدالغفورخان للّه‌باشی به مساحت ۴۲ مترمربع واقع در شهرری- خیابان خاورن ایستگاه آقارضا- پلاک ۲۶۹ با مبلغ پایه ماهیانه ۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، از طریق مزایده و با رعایت شرایط و مقررات اوقافی به اجاره واگذار نماید.
متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۳ به اداره مراجعه و یا با شماره تلفن **۳۳۷۵۹۷۹۰** تماس حاصل نمایند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده (نوبت اول)
**شرکت تعاونی مصرف